



زبان گفتار فارسی

۲

علل تحول زبان از «نوشتار» به «گفتار»

از دید زبان‌شناسی تحول يك زبان از گونه نوشتار به گونه گفتار ممکن است علت‌های مختلفی داشته باشد ولی از اهم این علت‌ها یکی راحنی بیان‌و‌دیگری صرفه‌جویی در وقت است که علت اخیر را میتوان «تمایل به کم کوشیدن» نیز نامید.

آقای دکتر پرویز خانلری در تشریح این علت‌ها در تاریخ زبان فارسی چنین نوشته اند: ^۱ زبان امری است اجتماعی یا عبارت دیگر ابزاری است که برای برآوردن حاجتی اجتماعی بکار میرود و آن رابطه یافتن افراد اجتماع بایکدیگر و بیان و ادراك امور مشترك اجتماعی است. این رابطه اجتماعی که بوسیله زبان و «گفتار» حاصل میشود مستلزم کوشش و صرف وقت است سخن گفتن کاری است که بوسیله ذهن و عضلات و اندام‌های گفتار انجام میگردد و مانند هر کار دیگر ذهنی و بدنی موجب خستگی میشود. انسان به طبع مایل است برای حاصل کردن نتیجه مطلوب کمتر بکوشد یعنی تا حد امکان از خستگی بکاهد.

آقای دکتر محمد رضا باطنی در مقاله‌ای تحت عنوان «آموختن زبان فارسی بعنوان يك ابزار عملی» ^۲ چنین میگویند: ما اگرچه داریم از الگوهای گفتاری بنویسیم برای اجتناب از آنها مجبوریم در موقع نوشتن تأمل کنیم تا برای الگوهای گفتاری معادل‌های کتابی پیدا کنیم، چه بسیار اتفاق میافتد که عبارتی بسیار ساده و روان است ولی چون متعلق به گونه

* آقای عزیززبان رئیس دبیرخانه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان. از پژوهندگان

گفتار است از نوشتن آن پرهیز می‌کنیم و با قرار دادن الگوهای کتابی بجای آن مفهوم را فدای لفظ میکنیم بهمین دلیل است که گونه نوشتاری خشک‌تر و بی‌روح‌تر است و اغلب تصنعی جلوه میکند.

آقای دکتر خانلری در این مورد در تاریخ زبان چنین می‌نویسند:

«از میان انواع زبانها که ممکن بوده است تنها یکی است که از جهت تنوع وسایل بیان بر آن دیگرها مزیت دارد و آن زبان شنیدنی است که زبان «گفتار» و زبان ملفوظ نیز خوانده میشود». این نوشته‌ها نشانه توجه استادان مذکور است به اهمیت زبان گفتار زیرا زبان نوشتار فارسی يك زبان معمولی نیست بلکه يك هنر است و همانند يك تابلوی زیبا یا يك شعر در باستان که در حالت عادی و زندگی روزمره احتیاج به دقت و تزئین و آرایش دارد و زندگی ماشینی امروز فرصت آرایش کلام را از مردم گرفته است بهمین علت است که ضرورت زمان مابعدی زمان سرعت و حرکت ایجاد میکند مردم مانند تند راه رفتن و تندرانندن حرفهای خود را نیز سریع‌تر بزنند. در اینجا است که بر میخوریم به علت بوجود آمدن زبان گفتار.

خصوصیات زبان گفتار فارسی

تاکنون متأسفانه درباره زبان گفتاری فارسی و خصوصیات آن از طرف هم میهنان ما تحقیقی نشده است و باز هم مانند داستان عبرت‌انگیز خواندن کتیبه‌های فارسی باستان و پهلوی زبان گفتار فارسی نیز برای اولین بار وسیله خارجیان مورد بررسی و توجه قرار گرفته است و از دهه دوم قرن بیستم بتدریج خارجیانی که بایران مسافرت کرده‌اند و با مشکل زبان محاوره روبرو شده‌اند درباره آن چیزی نوشته‌اند.

اولین نفر آقای Elewel Suttan انگلیسی است که در سال ۱۳۲۲ کتابی تحت عنوان Colloquial Persian^۲ یا زبان گفتار فارسی نوشته است و در این کتاب واژه‌های فارسی گفتار و نحوه تلفظ آنها با نشانه‌های لاتین چاپ شده است

پس از ایشان عده دیگری از محققین خارجی مطالبی بصورت کتاب یا مقاله در باره زبان گفتار فارسی نوشته‌اند که من در آخر مقاله فهرست آن را ضمیمه خواهم کرد از مجموع آنچه این آقایان و خانمها نوشته‌اند آنچه خود من بررسی و مطالعه کرده‌ام باین نتیجه رسیده‌ام که زبان گفتار فارسی دارای خصوصیات زیر است:

۱- حذف يك یا چند واج از يك واژه یا يك ریشه.

فارسی گفتاری

فارسی نوشتاری

مثال:

gošne گشنه

goresne گرسنه

هیجی hīčī
میام mīyām
میخواهم mīxāham
منم mnam

هیج چیز hīč čīz
می‌آیم mīāyam
میخواهم mīxāham
من هم manham

۲- حذف تشدید:

فارسی گفتاری
مرخصی morxasi
متشکرم motašakeram

فارسی نوشتاری
مرخصی moraxxasi
متشکرم motašakkeram

۳- تغییر تاءظ یک واژه با تغییر واجی

فارسی گفتاری
خونه xūne
e |

فارسی نوشتاری
خانه xāne
ast است

۴- حذف یک یا چند کلمه از جمله:

فارسی گفتاری
من تهران می‌رم
این کتابه؟
تابستان هوا گرم میشه

فارسی نوشتاری
من به تهران می‌روم
آیا این کتاب است؟
در تابستان هوا گرم میشود

۵- تغییر واژه بدون تغییر معنی:

گفتاری
توزمستون برف میاد.
اوماه دیگه میره شیراز.
من اونارو پائیدم.

نوشتاری
در زمستان برف می‌بارد.
او ماه آینده به شیراز میرود.
من مواظب آنها بودم.

۶- بکار بردن «تا» بجای واژه‌های نظیر عدد - نفر - جلد و غیره:

گفتاری
هوتا میز
دوتا کتاب
دوتا دهاتی
دوتا هواپیما

نوشتاری
دو عدد میز
دو جلد کتاب
دو نفر دهاتی
دو فروند هواپیما

۷- بکار بردن واژه‌های «زار» و «قرون» بجای ریال.

گفتاری
ه زار

نوشتاری
ه ریال

يك قرون
سه تومن و دوزار

گفتاری
مردا
دانشجوا
معلما
خواننده‌ها
محصولا
مدرسه‌ها
مجلسا

گفتاری
من شیراز میرم.
من قبول میشم.
او هفته دیگه میاد.

گفتاری
قیمت
امتحان
عاقبت
معلم
شرق
اول
تشکر
مریض
مطالعه
تحقیق
مفید
افتتاح
اسم

يك ریال
سی و دوریال

۸- بکار بردن علامت جمع آ q بجای تمام گونه‌های جمع. ۴

نوشتاری
مردها
دانشجویان
معلمین
خوانندگان
محصلین
مدارس
مجالس

۹- بکار بردن زمان حال بجای آینده:

نوشتاری

من به شیراز خواهم رفت.
من قبول خواهم شد.
او هفته آینده خواهد آمد.

۱۰- بکار بردن واژه‌های عربی بجای فارسی.

نوشتاری

بها
آزمایش
سرانجام
آموزگار
خاور
نخست
سپاسگزاری
بیمار
بررسی
پژوهش
ثمربخش
گشایش
نام

پوزش

عذر

بنظر اینجانب کلماتی که در محاوره بیشتر بکار برده میشوند بیشتر دستخوش تغییرند و حذف واجی در آنها سریعتر است برای مثال سه واژه بهار - نهار و چهار را در نظر میگیریم. این سه واژه از حیث ارزش^۵ برابرند ولی از حیث استعمال برابر نیستند یعنی چهار بیشتر از نهار و نهار بیشتر از بهار بکار برده میشود در نتیجه بصورت زیر درآمده‌اند:

بهار bahār نهار nahār چار čār

۱۱ - تغییر ریشه فعل مضارع:

گفتاری

نوشتاری

ر r

از فعل رفتن rav رو

گ g

« گفتن guy گوی

آ ā

« آمدن āy آی

ش š

« شدن šav شو

از مطالعه بیشتر زبان گفتار باین نتیجه میرسیم که این زبان خودش را با زمان و حرکت جامعه هم آهنگ کرده و میکند و چون زمان مازمان سرعت و حرکت است، باید برای هم آهنگ کردن آن با نیازهای جامعه ایرانی و فرهنگ ملی چاره‌اندیشی کرد و آن را مورد حمایت و بررسی صحیح علمی قرار داد. هم اکنون در کشورهای اروپا و آمریکا چون شکاف بین زبان گفتار و نوشتار کم است این قانون طبیعی بصورت دیگری خودنمایی کرده است و آن خلاصه کردن نام سازمانها و مؤسسات و حتی نام اشخاص است برای مثال میتوان از U.N. بجای سازمان ملل متحد و U.S.A. بجای ایالات متحده آمریکا و هزاران مثال دیگر نام برد در ایران تشکیلات هواپیمای ملی ایران «هما» و سازمان اطلاعات و امنیت کشور «ساواک» از این قانون زمان پیروی کرده‌اند بهتر است سازمانها و مؤسسات دیگر نیز که عناوین دور و درازی دارند از این قانون پیروی کنند و حرف اول واژه‌های تشکیل دهنده نام خود را بکار برند در اینجا یادآوری این نکته لازم است که کوتاه کردن اسامی که از سالها پیش بین جوانان ایرانی معمول بوده است و متأسفانه از آن انتقاد میشده است نمونه دیگری است از هم آهنگی با زمان مثلا:

انوش	بجای انوشیران
مسی	« معصومه
فری	« فریده
گلی	« گل اندام
شیدی	« شیدرو

بخش سوم: زبان گفتار فارسی و خارجیان

از اوائل قرن بیستم در اثر توسعه روابط سیاسی - بازرگانی و فرهنگی ایران با کشورهای اروپائی عده زیادی از اروپائیان بعنوان نمایندگان سیاسی و بازرگانی به کشور ما روی آوردند برخی از آنان برای مدتی کوتاه و جمعی برای مدتی طولانی در ایران اقامت گزیدند پس از جنگ بین المللی دوم در اثر تشکیل سازمان ملل متحد و سازمانهای بین المللی دیگر و توسعه روابط دوستانه ایران با کشورهای جهان گروههای بیشتری از خارجیان به کشور ما روی آوردند و از نزدیک با فرهنگ و زبان ما تماس پیدا کردند.

در سالهای اخیر در اثر ایجاد راههای ترانزیتی و ایجاد توسعه خطوط هوائی و دریائی بخصوص اتصال خط آهن ایران به اروپا رفت و آمد اروپائیان به کشور ما بیش از هر زمان دیگری افزایش یافته است.

تشکیل سازمان جلب سیاحان و تأسیس هتلها و منلها در سطح کشور و ایجاد تسهیلات برای توریستها باعث بوجود آوردن «صنعت توریسم» و توجه خاص اروپائیان به کشور ما شده است. مجموع این عوامل سبب شده است هزاران خارجی به کشور ما روی آورند. آمارهای موجود نشان میدهد که امروزه بیش از هر زمان دیگری اتباع خارجی در ایران مقیم هستند اینها در تهران ویا شهرستانها اقامت دارند این جماعت در اولین برخورد با مردم احساس میکنند که بیک چیز نیاز فوری دارند و آن فراگرفتن زبان مردم است، زبانیکه بوسیله آن بتوانند با مردم صحبت کنند و مطالب و مشکلات خود را با آنان در میان بگذارند. من برای اولین بار در سالهای تحصیل خود در دانشکده حقوق دانشگاه تهران با این واقعیت روبرو شدم. چند تن از دانشجویان خارجی که مهمان دانشگاه بودند در جستجوی کلاس و معلمی بودند که بآنان فارسی یاد بدهد. من این کار را قبول کردم و از روی کتابهای ابتدائی وزارت آموزش و پرورش چند جلسه ای بآنان درس دادم. چند روز بعد آنان بمن مراجعه کردند و گفتند جملاتی را که شما بما آموختید مردم نمی فهمند مگر شما بما فارسی درس نداده اید؟ من متوجه شدم که اینها به زبان محاوره احتیاج دارند. هم اکنون دهها نفر ایران شناس خارجی که در شناساندن فرهنگ و تمدن ایران به جهانیان نقش ارزنده ای دارند و مشکل ترین متون فارسی را خوانده و ترجمه کرده اند از بیان یک احوال پرسی ساده بزبان گفتار عاجزند اخیراً یکی از دانشمندان ترك که چندین جلد کتاب از شعرای ایرانی را به ترکی ترجمه کرده است از دانشگاه تهران دیدن کرد او نیز از زبان گفتار چیزی نمیدانست من چند جمله از گفتگوی او را بزبان فارسی یادداشت کرده ام: «حضور عالی را اشکال نمیخواهم بکنم». یعنی مزاحم نمیشم. «مضرت هست یا فایده هست» یعنی این ضرر داره یا نداره، و غیره ایشان در تکیه و آهنگ کلمات نیز اشکال داشتند. ایران شناس دیگری که اخیراً از دانشگاه تهران

دکترای افتخاری گرفت از بیان احساسات خود بزبان فارسی عاجز بود. بدیهی است ایرادی باین حضرات وارد نیست و عیب از خود ماست زیرا تاکنون باین حقیقت توجه نشده است که زبان گفتار يك واقعت است و با عباراتی از قبیل اینکه زبان عوام الناس است و با کلمات انتقاد آمیز دیگر جلو رشد و تحول آن گرفته نمیشود. برداشتمندان و استادان زبان شناس است که برای شناختن و شناساندن قواعد رشد و تحول این زبان و حفاظت آن در مقابل هجوم واژه های خارجی چاره جوئی بکنند و استادان زبان و ادبیات فارسی بآن توجه نمایند و بعنوان يك پدیده طبیعی و يك عنصر فرهنگی و ملی ایرانی آن را بپذیرند و بیاریند آنچنانکه شایسته يك زبان ایرانی است.

بر مؤسسات دانشگاهی و وزارت آموزش و پرورش فرض است که شرائط تعلیم و تدریس این زبان را در کشور فراهم نمایند و بخصوص برای یاد دادن آن بخارجیان طرحهای سازنده و علمی تهیه نمایند.

منابع:

- زبان شناسی و زبان فارسی تألیف دکتر خانلری
- تاریخ زبان فارسی « دکتر خانلری جلد اول
- مجله سخن شماره های ۱۱ و ۱۲ سال ۵۲
- مجموعه بحث و سخنرانی درباره زبان فارسی از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر
- مجله راهنمای کتاب شماره های دی و اسفند ۱۳۳۹
- کتاب هفته شماره های مهر و آبان ۱۳۴۰
- Colloquial Persian, E. Suttan, London, 1943
- Spoken Persian, Ali Zangi Tahran I.A.S.
- Simple Colloquial Persian, C.L. Hawker. London, 1948.
- The Phonemes and Morphemes of Modern Persian, E.E. Nye.
- University of Michigan, 1954.
- Bulletin of the S.O.A.S. XIV 1953.
- Modern Persian Conversation, F. Ungar. New York, 1943.

۱ تاریخ زبان فارسی جلد اول از انتشارات بنیاد فرهنگ،

۲— سخنرانی و بحث درباره زبان فارسی. از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.

3— London, Kegan Paul, Trench 1943

۴— در مورد واژه هائیکه به يك مصوت ختم میشود بجای ā با hā جمع میسازند.

۵— از حیث سیلاب ۶— این کلمه در اصل ناهار بوده است